

شماره 1
تیرماه 1399



اولین نشریه موسیقی دانشگاه فرهنگیان

موسیقی چیست

درآمدی بر ترانه
و ترانه سرایی

تحلیل موزیک

You're my heart
you're my soul

سازشناسی

دو ترانه

+ گزارش جشنواره

سازآواز





فهرست:

۱..... سخن سردبیر

۲..... موسیقی چیست؟

۳..... درآمدی بر ترانه و ترانه سرایی

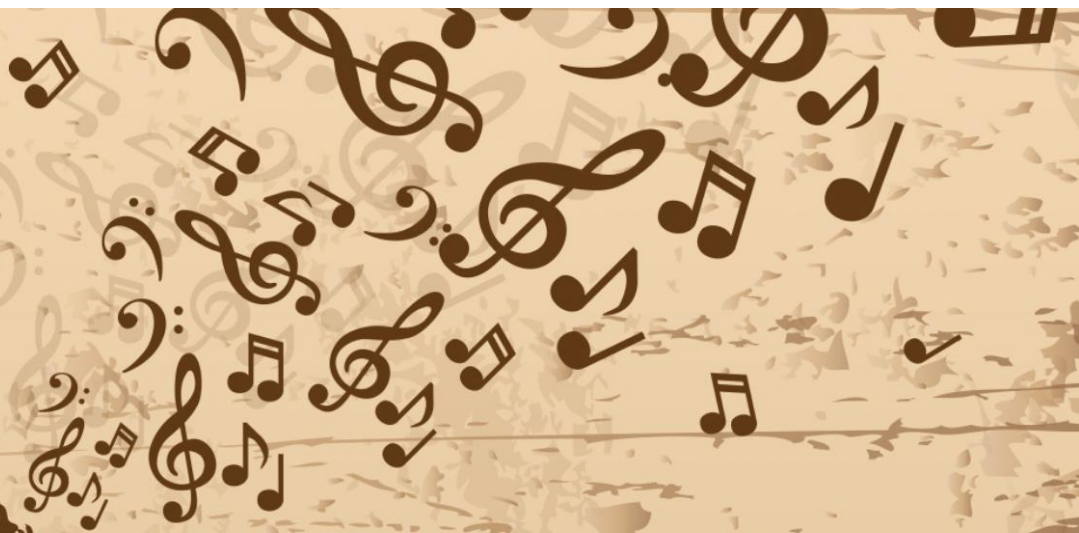
۴..... ساز شناسی

۵..... گزارش جشنواره ساز آواز

۶..... تحلیل موسیقی خارجی

۹..... دو ترانه

۱۱..... ارتباط با ما



سخن سردبیر:

سلام علیکم و درود خدایان بر شما باد! بنده امیرحسین نظری هستم، سردبیر نشریه ای که اکنون میدانم هیچکس آنرا نمیخواند به مانده دیگر نشریه های دانشگاه بزرگ و ماشالله فربه فرهنگیان. اما دیگر گفتیم نشریه ای انتشار دهیم که به قول معروف عرصه خالی نماند و ما هم دستی بر سر فرهنگ و هنر این دانشگاه هنر پرور کشیده باشیم. باز هم عرض میکنم میدانم این نشریه را هیچکس غیر از خودم و آقای مدیر مسئول، آنهم شاید، نمیخواند و این متن را هم فقط بنده ترجیها برای پر کردن صفحات ((نمی دانم چه کنم)) نشریه مینویسم و دل خود را خوش میکنم اما به هر حال پرش میکنیم تا ببینیم خدا چه می خواهد؟

البته کار کردن در این دانشگاه به دردسر قبل و حین و بعدش نمی ارزد! ولی خب همینطور که میبینید، ما احتمالا یه تخته امان کم است و این دردسر را به جان خریده و فعالیت های اینچنینی انجام می دهیم! حالا جدا از مضحکه و مضخرفات و ناله های همیشه گفته شده، این نشریه، جهت نشر اطلاعات و متون هنری علی الخصوص هنر ارزشمند موسیقی توسط کانون موسیقی تاسیس گشت تا سطح فرهنگ و دانایی هنری دانشجویان دانشگاه فرهنگیان را ترقی ببخشد و همینطور عرض ادبی به ساحت این هنر ارزشمند یعنی موسیقی بر اساس وظیفه شخصی داشته باشد. البته بنده هم بیشتر به خاطر مورد دوم این کار را پذیرفته و بیشتر به آن توجه میکنم و دلگرم انجام این کار میشوم. وگرنه اگر برای مورد اول بود بنده خیلی اهل فعالیت بی فایده و تلاش بیهوده نیستم. و البته پرگویی در موردش هم کار بی ارزش تری است پس سعی میکنم همینجا حرف را تمامش کنم. ولی در آخر فقط بگویم که امیدوارم اگر تو تنها فردی هستی که داری این نشریه را میخوانی از آن لذت ببری و به دانش هنری و موسیقاییت اضافه گردد. به دنیای نشریه فرآهنگ خوش آمدید. راستی تا یادم نرفته از ایمان مظلومی هم تشکر کنم که بانی وجود و چاپ این نشریه شد. ((آقا ایمان دستت درد نکه.))



× موسیقی هنر بیان احساسات به وسیله ی صداهاست.

موسیقی تراوش احساسات و اندیشه‌های
آدمی و مبین حالات درونی وی می‌باشد.
شنیدن یک آهنگ آرامبخش و جذاب
می‌تواند پایان‌پذیر خستگی روزانه شما باشد.
مرحوم خالقی در کتاب نظی به موسیقی
می‌نویسد: "موسیقی صنعت ترکیب اصوات و
صداهاست به‌طوری‌که خوشایند باشد و سبب
لذت سامعه و انبساط و انقلاب روح گردد."

و بتهوون در تعریف زیبای خود می‌گوید:
آنجا که سخن از گفتن باز می‌ماند موسیقی آغاز می‌شود.

واگنر: من موسیقی را تنها وسیله لذت گوش به شمار نمی‌آورم
بلکه آن را محرک قلب و مهیج احساسات می‌دانم. موسیقی
عالی‌ترین هنرهاست. موسیقی متعلق به دل است و جایی
که دل نیست موسیقی هم وجود ندارد.





از اوایل دهه ی ۱۳۲۰ ش، ترانه سرایی به تدریج رونق گرفت و یکی از پیشه های سازمان های اداری موسیقی در پایتخت شد و از آن به بعد به جای تصنیف سازی، ساختن آهنگ و سرودن ترانه دو کار جدا گانه شد؛ آهنگ اثر را نواساز و ترانه ی آن را ترانه سرا می ساخت و واژه ی ترانه سرا از همان سال ها رواج یافت و شناخته شد. نسل نخست ترانه سرایان کلاسیک از افرادی مانند پرویز وکیلی، رحیم معینی کرمانشاهی، اسماعیل نواب صفا، پرویز خطیبی، بیژن ترقی، تورج نگهبان و رهی معیری تشکیل می شد که از سردمداران اصلی جریان ترانه سرایی در سال های آغازین بودند. از پرویز وکیلی به عنوان سردمدار این نسل یاد می شود. او از بنیان گذاران ترانه های قصه ای بود و معمولا آثاری روایتگر می سرود. وکیلی با دیپلم ادبیات در استخدام بانکی دولتی بود که با ارائه چند اثر به رادیو مورد توجه قرار گرفت و با استعفا از پیشه ی قبلی، توسط نیرسینا که مسئول رادیو بود استخدام شد. اولین کار پرویز وکیلی با نام روزگار توسط ویگن دردریان اجرا شد. آقای دردریان اولین خواننده ی پاپ بود که در سال ۱۳۴۰ در برنامه های گل های صحرائی و یک شاخه گل که رهبر ارکستر آن جواد معروفی بود حضور یافت و بعد از آن در گل ها فعالیت نداشت. در آن زمان موسیقی پاپ و ترانه های سروده شده برای آن، جایگاهی در میان تولیدات رسمی نداشتند و از سوی فعالان رسمی حوزه ی ترانه به عنوان آثار نازل شناخته می شدند. اما ترانه های سروده شده توسط گروه نخست ترانه سرایان، ویژگی های خاصی داشت، نخست آنکه این ترانه های در فضای گذر جامعه از شکل سنتی به مدرن آفریده می شدند و ناگزیر نگاهی به تصنیف های پیشین داشته و همچنین با توجه به فضای معاصر ایران که عمدتا روستایی بود، گاهی از واژگان مرتبط با اتمسفر زندگی روستایی استفاده می شد. دوم آن که به لحاظ زبانی از بافت زبان رسمی بهره می برد و گاهی در برخی از این ترانه ها، زبان گفتاری نیز در کنار زبان رسمی استفاده می شد که باعث آشفتگی زبان می شد، سوم آنکه سوژه ها غالبا عاشقانه ی ساده بود و افق اندیشه ی اثر معمولا از مرز های "من شخصی" سراینده فراتر نمی رفت و اگر احیانا اثری پیدا می شد که از تمام این مولفه ها عبور می کرد، استثنایی در میان دریایی از ترانه های کلاسیک بود، جنس موسیقی هم نشین شده با این ترانه ها، از جنس موسیقی کلاسیک پارسی و در دستگاه های مشخص موسیقی ایرانی بود. با تمام این اوصاف نسل نخست سرایندگان مددکار و راهگشای نسلی بودند که دوران ترانه ی نوین ایران را شکل داده و جاودانه شدند...

ادامه دارد ...

محقق: محمد بزرگی

تاریخچه:

نقاره در زمان‌های قدیم، هم در مواقع جنگ به کار می‌رفت و هم در مواقع صلح، به این معنی که به هنگام نبرد یک ساز رزمی محرک و شور آفرین بوده که آن را بر کوهان شتر می‌بستند و نقاره‌چی‌ها سوار بر شتر شده و در میدان جنگ مینواختند و در موقع صلح به عنوان یک ساز بزمی در سورها و میهمانی‌ها، بر گردن می‌آویختند یا در محل‌های معینی روی جایگاه قرار می‌دادند و می‌نواختند. فضل بن روزبهان خنجی در کتاب مهمان نامه بخارا، در حالات محمدخان شیبانی، سلطان ماوراءالنهر که مشهد و ناحیه طوس را تصرف کرده بود، می‌نویسد: «سلطان تصمیم گرفت به زیارت امام رضا برود، از این رو، با اعیان لشکر خود و قاضیان و محتشمان عازم مشهد گردید. من با گروهی قبلاً به مشهد رفتیم و در آن جا مراسم استقبال را فراهم کردیم. بر فوق بارگاه حضرت، محلی که نقاره نوبت حضرت امام می‌زنند، جماعت نقاره چیان اردوی همایون و نفیرچیان ایستاده، مترصد آن که چون موکب همایون برسد نقاره بکوبند و نفیرنوازند... از این متن معلوم می‌شود که در قرن نهم و دهم، نقاره نواخته می‌شده و جایی هم در بلندی برای نقاره زن‌ها اختصاص داشته‌است. در روزگاران پیشین، استفاده از شیپور و نقاره در دربار شاهان معمول بود و هر بامداد و شبانگاه، در کاخ‌ها و قصرها و محل‌های اقامت حاکمان و امیران در شهرها و بیابان‌ها نقاره می‌زدند و مردم را احضار یا مرخص می‌کردند و طبل نواختن و شیپور زدن، نشان حاکمیت و اقتدار شاهان به‌شمار می‌رفته‌است در ایران، نواختن طبل و نقاره، تا زمان قاجاریه ادامه داشت و حاکمان هم در مراکز استان‌ها به هنگام معینی از آن استفاده می‌کردند و در مناطق شرقی کشور حتی تا اوایل قرن حاضر نیز معمول بود.

انواع:

نقاره گیلکی / مازندرانی: از دو کاسه سفالی که یکی کوچکتر از دیگری می‌باشد تشکیل شده‌است، این ساز را معمولاً با چوب و در موقع لزوم با دست می‌نوازند. اندازه قطر دهانه کوچک معمولاً ۱۶ و اندازه قطر دهانه بزرگ ۲۲ سانتی‌متر است. نقاره سنج: از نوع گیلکی کمی بزرگتره، بعضی وقتها به اسب می‌بندند و نوازنده سوار بر اسب با دست شروع به نواختن می‌کند.

نقاره فارس: مثل دوتای قبلی جفتی، ولی با اختلاف زیادتری در اندازه. قطر دهانه کوچک ۲۲ و دهانه بزرگ ۳۹ سانتی‌متر و شکل آن نیز خمره‌ای فشرده‌است.





زمانی که شما در حال خواندن این متن هستید اولین مسابقه دانشگاه فرهنگیان در زمینه های خوانندگی ، نوازندگی و لبهنگ به پایان رسیده . ساز آواز ، جشنواره ای بود که نشان داد از دانشجو معلمان هنرمند و با استعدادی برخوردار هستیم .

دانشجو معلمانی که به خواست خود یا با توجه به شرایط ، خود را مخفی کرده بودند همه را شگفت زده کردند.

جشنواره ساز آواز (از ۸ فروردین ۹۹ تا ۱۶ فروردین ۹۹) به مدت ۹ روز در سه بخش (خوانندگی ، نوازندگی و لبهنگ) با دو هدف ایجاد شور و نشاط در بین دانشجو معلمان و نشان دادن استعداد های آن ها برگزار گردید و دریاف حدود ۷۵۰۰ لایک یا رای در طول جشنواره نشان دهنده این است که جشنواره مورد استقبال دانشجو معلمان قرار گرفته و به هدف خود رسیده .

امید می رود که با حمایت بیشتر دانشگاه فرهنگیان و دانشجو معلمان این جشنواره در سال های آینده با قوت بیشتری به فعالیت خود ادامه دهد .

ارادتمند شما :

محمد ایمان مظلومی

دبیر کانون موسیقی پردیس
شهید رجایی فارس





موزیک‌های خارجی:

بی‌شک صحبت از موسیقی خارجی در دانشگاه فرهنگیان، با مشکل‌های خاصی همراه است؛ اما با وجود تمام این مشکلات، این بخش به نشریه اضافه شده و تلاش گردیده است تا مطالب مناسب و سودمندی، تهیه و ارائه گردد. هدف از این بخش، آشنایی با سبک‌های موسیقی در کشورهای مختلف، همراه با معنی و تحلیل است تا علاوه بر لذت بردن از موسیقی، که امری معمول است، مخاطب بتواند با فرهنگ و آداب دیگر کشورها نیز آشنا گردد. در اولین جلد نشریه، به یک گروه موسیقیِ خاطره‌انگیز می‌پردازیم.

این گروه موسیقی، با ترانه‌ای که بیشتر افراد، آن را شنیده‌اند، شناخته شده هستند. Modern Talking

گروه موسیقی Modern Talking، گروهیست از غرب برلین که در انواع سبک‌های Europop, synth-pop, dance-pop, Euro disco فعالیت داشته است.

نمونه‌هایی از آثار این گروه، عبارت است از:

You're my heart, you're my soul

(تو قلب منی، تو روح منی)

You can win if you want

(اگر بخواهی، میتوانی برنده شوی)

Cheri cheri lady

(بانوی قشنگ و نازنین)

Brother Luie

(برادر لویی) و

Atlantis is calling

(آتلانتیس تو را می‌خواند)

در این جلد از نشریه، قصد داریم که آهنگ معروف این گروه را - که احتمالاً از تمام آثار قبلی برای شما آشنا تر است - ترجمه کنیم.

آهنگی به نام:

no face no name no number

که ترجمه‌ی لفظ به لفظ آن، بی‌چهره، بی‌نام، بی‌شماره است.

به تعبیری زیباتر، می‌توان ترجمه‌ی عنوان آهنگ را بی‌نام‌ونشان معنا کرد. بهتر است پیش از آغاز ترجمه و شنیدن موسیقی، نگاهی به کلمات کلیدی به کار رفته در lyrics (متن آهنگ) بیاندازیم:

Devotion: صمیمیت، عشق عمیق

Ocean: اقیانوس

Burn: سوختن

Kiss: بوسیدن

Thunder: صاعقه، رعد و برق

Hunter: شکارچی

Desire: میل، آرزو

Soul: روح

Heaven: باغ، بهشت

Story: قصه، داستان

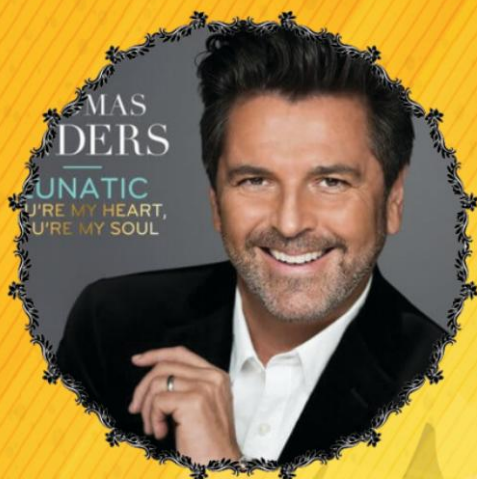
River: رودخانه

Flow: جریان داشتن

Mind: ذهن

Dream: آرزو، رویا





و اما متن شعر اصلی که نصف آن هم به خاطر تکرار
متن ترجمه نشده و به عهده شما عزیزان می باشد:

[Verse ۱]

Love is like the ocean, burning in devotion

عشق چنان اقیانوسی ست که گویا از عشق و سرسپردگی
می سوزد

When you go, go, go, oh no

وقتی که تو می روی، می روی، می روی... وای نه

Feel my heart is burning, when the night is turning

حس کن که چگونه قلبم [در انتظار] می سوزد هنگامی
که شب بازمی گردد

I will go, go, go, oh no

میخواهم بروم بروم بروم... وای نه

Baby, I will love you

عزیزم من دوستت خواهم داشت

Every night and day

هر روز و هر شب

Baby, I will kiss you

عزیزم من تو را خواهم بوسید

But I have to say

ولی باید بگویم:

[Chorus]

No face, no name, no number

بی هیچ نام و نشانی

Your love is like a thunder

عشقت چون صاعقه ایست

I'm dancing on a fire, burning in my heart

روی آتشی می رقصم که درون قلبم شعله می کشد

No face, no name, no number

بی هیچ نام و نشانی

Oh, girl, I'm not a hunter

آه، دخترک، من شکارچی نیستم

Your love is like desire, burning in my soul

عشقت مانند میلی ست که درون روحم می سوزد

No face, no name, no number

بی هیچ نام و نشانی

Oh love is like a thunder

آه عشق مانند یک صاعقه است

Oh love is like the heaven, it's so hard to find

آه عشق مانند بهشت است، یافتنش

بسیار دشوار است

No face, no name, no number

بی هیچ نام و نشانی

Oh, girl, I'm not a hunter

آه، دختر، من شکارچی نیستم

Your love is like a river, flowing in my mind

عشقت مانند یک رودخانه است، در

ذهنم جاریست

[Verse ۲]

Feel your dreams are flying

حس کن پرواز رویاهایت را

Dreams are never dying

آرزوها هیچوقت نمی میرند

I don't go, go, go, oh no

نه! نمی روم نمی روم نمی روم

You're eyes tells a story, baby oh don't worry

چشمانت داستانی را روایت می کنند، عزیزم

آسوده باش



سال انتشار قطعه : ۲۰۰۰

سبک : Europop (پاپ اروپایی)

ناشرها : Ariola و BMG

تهیه و تنظیم : دیتر بوهلن

شایان ذکر است که فعالیت

این گروه هنری از سالهای

۱۹۸۷-۱۹۸۴ و سپس با وقفه

ای نسبتاً طولانی از سال ۱۹۹۸ تا

۲۰۰۳ ادامه داشته است.

تهیه و ترجمه آهنگ:

محمد توکلے



When you go, go, go, oh no

وقتی که تو می‌روی، می‌روی، می‌روی...وای نه

Baby cause I love you

عزیزم چون دوست دارم

Forever and a day

برای ابد و یک روز

Baby, I will kiss you

عزیزم من تو را خواهم بوسید

but I have to say

ولی باید بگویم: [Chorus]

No face, no name, no number

Your love is like a thunder

I'm dancing on a fire, burning in my heart

No face, no name, no number

Oh, girl, I'm not a hunter

Your love is like desire, burning in my soul

No face, no name, no number

Oh love is like a thunder

Oh love is like the heaven, it's so hard to find

No face, no name, no number

Oh, girl, I'm not a hunter

Your love is like a river, flowing in my mind

[Bridge]

No, oh oh oh oh oh oh oh oh

No, oh oh oh oh oh oh oh oh

No, oh oh oh oh oh oh oh oh

[Chorus]

No face, no name, no number

Your love is like a thunder

I'm dancing on a fire, burning in my heart

No face, no name, no number

Oh, girl, I'm not a hunter

Your love is like desire, burning in my soul

No face, no name, no number

Oh love is like a thunder

Oh love is like the heaven, it's so hard to find

No face, no name, no number

Oh, girl, I'm not a hunter

Your love is like a river, flowing in my mind

افشین یداللهی

چله به چله عشق را از غم به شادی میبریم
حق خود از لبخند را با اشک با خون میخریم
هر جا سکوت کوچه ها از ترس سنگین تر شود
یک اه همگون می کند تا شهر رنگین تر شود
پروانه پشت پيله اش حس کرد راهی هست و رفت
شاید به راه بسته هم باید امیدی بست و رفت
شب از درون می پوسد و با یک تلنگر میرود
دستان ما در بند هم دور از تصور میرود
چله به چله عشق را از غم به شادی میبریم
حق خود از لبخند را با اشک با خون میخریم
حتی عبور از عشق هم رو به رهایی سخت نیست
بی ذوق آزادی کسی با عشق هم خوشبخت نیست
قنقوس برمیخیزد و ما را تماشا میکند
شعله فرو می افتد و در بهت حاشا میکند
چله به چله عشق را از غم به شادی میبریم
حق خود از لبخند را با اشک با خون میخریم



روزبه بمانے

نه تو دلگیری از رفتن
نه من اشکم سرازیره
منو جوری شکستی که
دیگه گریم نمیگیره
شدم مثل یه ابری که
زمستونم نمیباره
دیگه این بغض سی ساله
شکستن بر نمیداره
یه حسی بین ما بوده
که حالا غیر یک غم نیست
اگه گریم نمیگیره
واسه حفظ غرورم نیست
یه حسی بین ما بوده
که این روزا شده یک درد
به جای ما یه سنگم بود
دیگه این درد و حس میکرد
تو خیلی قبل از این رفتی
که این اندازه من سردم
کنارت سوگواریمو
برای رفتنت کردم
نه با تو زندگی دارم
نه از فکر تو آزادم
چه میموندی چه میرفتی
تو رو از دست میدادم
یه حسی بین ما بوده
که حالا غیر یک غم نیست
اگه گریم نمیگیره
واسه حفظ غرورم نیست
یه حسی بین ما بوده
که این روزا شده یک درد
به جای ما یه سنگم بود
دیگه این درد و حس میکرد





معرفی اعضای نشریه

دبیران

امیرحسین نظری سردبیر

محمد بزرگی

محمد توکلی

یوسف جمالی

محمد ایمان مظلومی

تیم طراحی

حسین صفری

محمد ایمان مظلومی

ارتباط با ما

 iranmusic.cfu

 0938 769 4607

<https://shrsh.cfu.ac.ir>